

УДК 94(479.248)''5/8'':[904:737.1]

**نگاهی به سکه‌های ضرب آستارا از دوره اتابکان آذربایجان
تا دوره تیموریان
(شامل سده‌های ششم، هفتم، هشتم و نهم هجری قمری)**

آرمین حیدریان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه گیلان و مؤسس نخستین انجمن علمی ایران‌شناسی ایران
ایمیل: Armin.heydarian301@gmail.com

آستارا، امروزه نام دو شهرستان مرزی است که یکی در شمال غربی استان گیلان ایران و دیگری در جنوب شرقی جمهوری آذربایجان قرار دارد که به وسیله دریای کاسپین از شرق و کوه‌های تالش از جنوب و جنوب غرب محصور گردیده است. این شهرستان در گذشته به‌ویژه در ایام حکومت پیشاصفوی، صفوی و پساصفوی نقش مهمی در مرکزیت منطقه تاریخی تالش ایفا نموده است. منابع معتبر تاریخی ثابت می‌کنند که آستارا از سده‌های میانه اسلامی تا اوایل حکومت قاجاریه، نواحی بسیاری از مناطق جنوبی جمهوری آذربایجان کنونی و بخش‌هایی از شرق استان اردبیل و غرب استان گیلان را شامل می‌شده است. با این حال، پیش از نگارش این پژوهش، تاکنون هیچ‌گونه کتاب، پایان‌نامه، مقاله، گزارش یا اسنادی که به‌شکل تخصصی به موضوع سکه‌های ضرب آستارا پرداخته باشد، در دسترس نیست و در مقاله حاضر، برای نخستین بار است که مشخص می‌گردد نه تنها ناحیه آستارا به‌عنوان مرکز ولایت گسترده آستارا در دوران میانه اسلامی دارای ضربخانه سکه بوده، بلکه در ادوار گوناگون تاریخی در این شهر، سکه حکام منطقه و سلاطین فاتح نیز ضرب شده است. سکه‌های مورد بررسی در این پژوهش به‌ترتیب به دوره‌های اتابکان آذربایجان، ایلخانان مغول، مظفریان، جلاوریان و در نهایت قراقویونلوها و تیموریان بازمی‌گردد. کلید واژگان: آداب و رسوم، فرهنگ، ایرانیان، سفرنامه، گوبینو، موریه. کلید واژگان: آستارا، باستان‌شناسی، تاریخ، تالش، سکه، ضربخانه، گیلان

DOI: <http://dx.doi.org/10.30970/vpl.2023.7375.201220>

مقدمه. در طول تاریخ، سرزمین‌های گوناگون جهان، شاهد ظهور و سقوط خاندان‌ها و سلسله‌های حکومتی مختلفی بوده‌اند. پادشاهان فارغ از کوچک یا بزرگ بودن گستره فرمانروایی و نیز سواى قوی یا ضعیف بودن قدرت حکمرانی خویش به نیات متعدد، دست به ضرب سکه در جنس‌های متفاوت طلا، نقره، برنز و مس زده‌اند. سکه‌های بازمانده از حکومت‌ها در شناسایی بهتر و بیشتر تاریخ حکمرانی، اراضی تحت سلطه و دیگر ابعاد حکومت آنان یاریگر محققان و پژوهشگران حوزه‌های تاریخی، باستان‌شناسی، فرهنگ و غیره است. سعی پژوهش حاضر به فراخور موضوع آن، بررسی و روشنگری درباره وضعیت محال تاریخی آستارا به عنوان دارالاماره بخش اعظمی از منطقه قومی تالش در ادوار میانه اسلامی، از دیدگاه سکه‌شناسی بوده است. در واقع نگارنده این سطرها تلاش کرده است تا پس از مطالعه و کنکاش بسیار در متون تاریخی، آرشبو و تارنمای موزه‌های کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، و حتی سایت‌های معتبر حراجی آنلاین که از نگاه متخصصان این موضوع از اعتبار لازم برخوردارند، هر آنچه درباره سکه‌های ضرب آستارا در دسترس بود گردآورده و با توضیحات مختصر و مفید به علاقه‌مندان و پژوهشگران این عرصه تقدیم نماید.

اولین سکه‌های شناخته شده گیلان مربوط به دوران اسلامی (زیدی) است که در هوسم (رودسر امروزی) ضرب شده‌اند. در دوره ایلخانی اسامی شهرهای دیگر گیلان شامل لاهیجان،

رشت، فومن، تمیجان به عنوان محل ضرب سکه‌ها دیده شده است. همچنین در دوره صفویه نیز شهرکوجسفهان به اسامی مناطق دارای ضرابخانه سکه در گیلان اضافه می‌شود.

تا پیش از نگارش پژوهش حاضر، هیچ اشاره‌ای به سکه‌های ضرب آستارا یا دیگر مناطق تالش‌نشین غرب گیلان در کتاب‌ها و آثار منتشرشده سکه‌شناسی کشور دیده نشده است. شاید دلیل کم بودن سکه‌های ضرب شده در این منطقه، صعب‌العبور بودن مسیرهای عبوری، آب‌وهوای خاص و طاقت‌فرسا برای غیربومیان و نیز دارا بودن حکومت‌های قدرتمند خودمختار یا نیمه خودمختار و در نتیجه فتح نشدن توسط فاتحان به‌ویژه سلاطین قبل از عصر ایلخانان مغول باشد؛ زیرا معمولاً مهاجمان بوده‌اند که بعد از تصرف منطقه‌ای مهم در آن به ضرب سکه اقدام می‌نمودند تا نام منطقه یا شهر مغلوب را به عنوان اراضی تحت استیلای‌شان به کارنامه فتوحات خویش در تاریخ بیفزایند.

نکته قابل ذکر دیگر که نباید از نظر دور داشت این است که دارالحکومه تالش‌نشین جنوبی در فومنات، دارالحکومه تالش‌نشین مرکزی در گسکر و دارالحکومه تالش‌نشین شمالی (و بخش‌های شرقی اراضی تالش‌نشین مرکزی) در آستارا بوده است، بنابراین طبیعی است که سکه‌ها در شهرهای دیگری جز تختگاه ولایتشان مانند فومن و آستارا ضرب نشده و تاکنون به دست نیامده‌اند.

گرچه تاکنون کاوش‌های گسترده و رسمی در مناطق باستانی و تاریخی شهرستان مرزی آستارای ایران به وسیله نهادهای زیربند و سازمان‌های مربوطه صورت نگرفته است ولی باستان‌شناسان در محوطه‌های مختلف شهرهای تالش‌نشین ایران و جمهوری آذربایجان که بخش‌های اعظمی از آنها در دوره‌هایی از تاریخ، جزو محال آستارا بودند، چند بار به کاوش‌های باستان‌شناختی دست زده‌اند که نتیجه کاوش در گورستان‌های تالش ایران «سابقه وجود یک مرکز اجتماعی بزرگ، حداقل تا اواسط هزاره اول پیش از میلاد را ثابت می‌کند» [۱۱، ص. ۱۲۵].

در باره قدیمی‌ترین سکه‌های مکشوفه در آستارا، بیش از هر نقطه دیگری روستای شاه‌آقاجی آستارای شمالی جلب توجه می‌کند. این روستا جایی بسیار باصفا از قریه بوت‌سیر^۱ در کنار دریای خزر می‌باشد و از این مکان همیشه سکه‌های پول مربوط به شاپور و قباد ساسانی^۲ در خم‌های سفالین پیدا می‌شده است [۱۷، ص. ۱۹۴؛ ۳۶، ص. ۱۸۱] به نقل از جواهرنامه لنگران^۳ اثر سعیدعلی برادیکاهی [۹]. متأسفانه علیرغم تلاش‌های بلندمدت نگارنده این سطور، هیچ‌گونه اثر مکتوبی از نتایج بررسی‌های صورت گرفته بر روی این سکه‌ها یافت نشد. همچنین در چند سال اخیر سکه‌های طلایی از منطقه آرتوپای^۴ آستارا کشف گردیده است [۴۶، ص. ۱۵۹] که همانند گنجینه پیشین، گزارشی از نتایج مطالعه آنها در دسترس نیست.

۱. هم اکنون نام این روستا به صورت رسمی پِنَسَر (penasar) است که در زبان تالشی به معنای «بالا محله» بوده و در شهرستان آستارای جمهوری آذربایجان واقع گردیده است.

۲. در متن اصلی، علاوه بر نام شاپور و قباد، اسم جمشید نیز ذکر شده بود ولی از آنجا که جمشید از جمله شاهان اساطیری ایران است و چنین نامی در بین شاهان ساسانی وجود ندارد، از متن حذف گردید.

۳. کتابی درباره تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی تالش می‌باشد که در آن درباره بسیاری از نقاط همچون لنگران، آستارا، اسالم، کرگانرود و غیره صحبت شده است. از این کتاب دو نسخه با تفاوت‌های قابل توجه، در ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد. نسخه باکو در ۹۳ صفحه در انستیتو نسخ خطی محمد فضولی باکو نگهداری می‌شود و نسخه دوم با عنوان تذکره سعیدیه به شماره ثبت ۱۶۷۰۵ در کتابخانه مجلس وجود دارد. پس از مقایسه دو نسخه، مشخص شد که جواهرنامه لنگران موجود در باکو خلاصه شده از نسخه تذکره سعیدیه موجود در کتابخانه مجلس تهران می‌باشد که در آذربایجان شوروی کتابت شده است [۳۰].

۴. آرتوپا (ārtopā) روستایی است که امروزه در شمال رودخانه مرزی آستارا و در جنوب شرق جمهوری آذربایجان قرار دارد.

نخستین و قدیمی‌ترین ضربخانه سکه در منطقه مورد مطالعه این پژوهش، که پس از بررسی‌های دقیق کارشناسانه، به شکل رسمی قدمت‌گذاری و تأیید شده، ضربخانه روستای ماشکان^۶ آستارا است که خزانه‌ای از سکه‌های مسی ضرب آستارا می‌باشد [۲، ص. ۱۸۳]. همچنین گنجینه سکه‌های اتابکان آذربایجان که در سال ۲۰۰۷ از روستای ارچیوان آستارا به دست آمد [۴، ص. ۱۷۱] که از وجود ضربخانه سکه در اواخر سده ششم هجری قمری برابر با اواخر سده دوازدهم میلادی در مرکز حاکم‌نشین آستارا حکایت دارد.

این زمان برابر با دورانی است که یکی از اسپهبدان آستارا^۷ به نام اسپهبد اسبار محمد از خاندان مهرانی معروف به امیر اسبار (اسفار)^۸، با بسیج مردم و ایجاد انسجام در کارهای عمرانی به آبادانی آستارا و توابع آن همت گماشت. اگر پذیرفته شود که وی حاکمی بوده که بلافاصله و بدون واسطه پس از درگذشت نصرت‌الدین اسپهبدکیالو اشیر^۹ و پیش از رکن‌الدین اسپهبد احمد مشهور به ملک احمد^{۱۰} مهرانی^{۱۱} به قدرت رسیده؛ روشن می‌شود که همین حاکم آستارایی بوده که نخستین بار ضرب سکه را در آستارا انجام داده است مگر اینکه سکه‌هایی با قدمت بیشتر به دست آید و خلاف این گفته ثابت شود.

موضوع دیگری که ارتباط مستقیمی با سکه‌های ضرب آستارا دارد، نام شهرستان امروزی آستارا می‌باشد که در طول تاریخ دچار تغییر و تحولات بسیاری گشته و در هر عصری به گونه‌ای ثبت گردیده است. از جمله اسامی این منطقه در منابع تاریخی می‌توان به استرته، استراب، اسپهبد، سپهبد، آستارآباد، آسترا، آستار، آستاره و آستارا اشاره نمود. بر روی سکه‌های مکشوفه از آستارا، نام این منطقه به اشکال گوناگون «آستارا»، «آستار» و «آسترا» به عنوان محل ضرب سکه‌ها درج گردیده است. بی‌تردید اگر در محوطه‌های کهن و قدیمی از قبیل تپه‌ها، گورستان‌ها و مناطق غنی تاریخی، همچنین قلعه‌های تاریخی شهرستان آستارا کاوش‌های باستان‌شناختی صورت گیرد، بخش‌های تاریک

۵. وی در ادامه، نقل می‌کند که قدمت سکه‌ها به دوره مادها برمی‌گردد. لازم به ذکر است، قدیمی‌ترین سکه‌ها در ایران به وسیله داریوش‌شاه هخامنشی ضرب گردیده است که به سکه‌های طلائی، بریک و به سکه‌های نقره‌ای، شبک می‌گفتند. با این حال از ارتباطات تجاری یکی از پادشاهان ماد با شاه لیدی - که در آنجا ضرب سکه و دادوستد از طریق آن رواج داشته - اطلاعات تاریخی وجود دارد.

۶. روستای ماشکان (māškān) هم اکنون در آستارای شمالی واقع است که به آن، ماشخان (māšxān) هم می‌گویند. ۷. نام قدیم آستارا، که حدود جغرافیایی آن از مرزهای گشتاسبی در جنوب جمهوری آذربایجان کنونی تا اسلام تالش را دربر می‌گرفت و در بیشترین گسترش خود شامل تمام اراضی دشت مغان می‌شده است. مرکز آن در ابتدا قلعه شیندان آستارا بود ولی بعدها به نقاط داخلی در مرکز شهر آستارا انتقال یافت [۱۷، ص. ۱۶۵؛ ۲۷].

۸. در منابع تاریخی از دیدار وی به‌عنوان حاکم آستارا با سیدجمال‌الدین بوتهری (متوفی ۶۵۱ ه.ق) در آستارا نام برده است [۴۴، ص. ۱۲ و ۱۳]. بنابراین زمان حکمرانی وی باید از اواخر قرن ششم تا اواسط قرن هفتم هجری و پیش از اسپهبدی رکن‌الدین احمد مهرانی بوده باشد.

۹. خاقانی شروانی که متولد ۵۲۰ ه.ق و وفات ۵۹۵ ه.ق می‌باشد؛ در دیوان اشعارش در سوگ درگذشت ناگهانی اسپهبد کیالو اشیر در عنفوان جوانی - که هم‌زمان با سال‌های پایانی عمر شاعر بوده - مرثیه‌سرایی نموده است [۳۸، ص. ۱۵].

۱۰. وی به سال ۶۲۸ ه.ق در علمخان (جزو اراضی ویرمونی کنونی) آستارا متولد و به سال ۷۱۱ ه.ق درگذشت [۴۶، ص. ۶۲۹].

۱۱. مهرانیان آستارا منسوب به یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین خاندان‌های سلطنتی ایران در دوران اشکانی (پارتیان) و از دیدگاه برخی دیگر از محققان از نسل پادشاهان ساسانی بودند که ردپای آنان در سده‌های نخست و میانه ایران اسلامی در منطقه قفقاز به‌ویژه اران و تالش (آستارا) به چشم می‌خورد. بایندرخان، امیرحمزه‌خان، ساروخان و حیدرخان مهرانی تالش که همگی از حاکمان آستارا در دوره صفوی هستند از نامداران این خاندان به شمار می‌روند. هم‌اینک بازماندگان آنان در شهرهای تالش‌نشین ایران و جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. براساس شجرنامه خانواده‌های مهرانی، فیروزی، حیدریان، کلانتریان، و ... آستارا از آن جمله‌اند.

بسیاری از تاریخ و فرهنگ مردم آستارا روشن گشته و پژوهشگران با یک حوزه تمدنی مهم و ارزشمند در ادامه حوزه تمدنی تالش مواجه خواهند گردید.

هدف و ضرورت پژوهش. هدف از پژوهش حاضر ارائه تصویر روشنی از سکه‌های به دست آمده از منطقه آستارا و نیز روشن نمودن بخش‌هایی از نقاط کور تاریخ این منطقه است. ضرورت انجام این تحقیق و همچنین نگارش مقاله‌ای در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شد زیرا تاکنون هیچ‌گونه سندی دال بر وجود ضرابخانه و سکه در مناطق مرکزی و شمالی تالش به خصوص در ناحیه آستارا ارائه نشده بود و این موضوع با قدمت باستانی قوم ریشه‌دار تالش که در جهان باستان از آنان با نام کادوسیان^{۱۱} نام برده شده و در دوران میانه اسلامی ایران نیز حکام متعددی از سلسله‌های گوناگونی را تجربه نموده‌اند، متناقض می‌نمود؛ لذا لازم بود تا تحقیقاتی مبتنی بر پایه‌های علمی در زمینه سکه‌شناسی آستارا صورت گرفته و نتیجه به اطلاع اهل تحقیق برسد.

پیشینه پژوهش. شوریختانه تاکنون هیچ کار پژوهشی مستقلی در مورد سکه‌های ضرب شده یا به دست آمده در منطقه تاریخی آستارا و نیز بخش‌های شمالی و مرکزی منطقه قومی تالش صورت نگرفته است و این مسئله نبود پیشینه تحقیق، کار را بسیار سخت نمود. با این حال پس از تلاش چندین ماهه، خوشبختانه نگارنده تحقیق حاضر موفق گردید کتاب‌های منتشر شده‌ای درباره سکه‌های ضرب شده در ادوار مختلف تاریخی در جمهوری آذربایجان و ایران به دست آورد و مشکل

کمبود منابع معتبر برای ارجاع در مقاله، مرتفع گردد که فهرست آنها عبارت است از:

اولین منبعی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت، کتاب «پول» [۳] بود که دربرگیرنده مجموعه مقالات کوتاهی به صورت بی‌نام، درباره پول، سکه‌های مکشوفه و اسکناس‌های چاپ شده از زمان هجوم اسکندر مقدونی تا دوره معاصر در جمهوری آذربایجان کنونی است. این اثر در واقع یک کتاب کم حجم تصویری سکه است که برای اطلاع‌رسانی عمومی و اهداء به بازدیدکنندگان از موزه ملی باکو با همکاری بخش اداری ریاست جمهوری آذربایجان در ۹۶ صفحه رنگی و به زبان ترکی آذربایجانی در سال ۲۰۱۲ میلادی به زیور طبع آراسته شده است.^{۱۳}

دومین مأخذی که در نگارش پژوهش حاضر از آن بهره‌برداری شده، کتاب «دولت اتابکان آذربایجان: از ۱۱۳۶ میلادی تا ۱۲۲۵ میلادی» [۲] اثر ضیاء بنیاداف است. این اثر که به زبان ترکی آذربایجانی بوده و توسط انتشارات شرق - غرب باکو در سال ۲۰۰۷ میلادی به چاپ رسیده، نخستین منبعی است که از محل کشف ضرابخانه سلطنتی آستارا در روستای ماشکان و تعلق آن مکان به اواخر دوره اتابکان آذربایجان آگاهی‌هایی به دست داده است.

منبع سوم، کتاب «دولتمردی در آذربایجان و رمزهای آن» [۵] نام دارد که در سال ۲۰۰۰ میلادی با همکاری آکادمی علوم و موزه تاریخ جمهوری آذربایجان منتشر گردیده است. این کتاب که زبان آن ترکی آذربایجانی است ضمن برشمردن بخش‌هایی از آثار تاریخی و باستانی مناطق مختلف

۱۲. در بین نویسندگان، کتزیاس اولین کسی است که از تالش‌ها با نام کادوس در سواحل جنوب غرب دریای کاسپی یاد کرده است [۱۲، ص. ۲۰۰/۱ - ۲۱۲]. احمد کسروی درباره یکی بودن کادوسیان با تالشان معتقد است: «نخست باید دانست که رویه درست و ایرانی نام کادوس، کادوش یا کادوس می‌بوده که گادوش یا گادش نیز می‌گفته‌اند؛ چه می‌دانیم یونانیان همچون تازیان واژه‌هایی را که می‌گرفته‌اند دیگر می‌گردانیده‌اند. از جمله (ش)ها را در آخر نام‌ها (س) می‌کرده‌اند. آنگاه موسی خورنی تاریخ‌نویس نامدار ارمنی که گفته می‌شود در قرن پنجم میلادی می‌زیسته، در کتاب جغرافیای خود این نام را گادوش می‌آورد و پیداست که از زبان ایرانیان چنین گرفته است. به هر حال، پس (ک) این نام به (ت) و (د) آن به (ل) عوض شده و نام، تالش یا تالوش گردیده که اکنون تنها رویه واپس شناخته می‌باشد» [۴۱، ص. ۲۸۶].

۱۳. نسخه انگلیسی کتاب فوق‌الذکر نیز به سال ۲۰۱۲ میلادی در ۶۸ صفحه رنگی منتشر گردیده است.

جمهوری آذربایجان به انتشار تصویری از رو و پشت سکه‌های مربوط به دوره شاهرخ تیموری با محل ضرب آستارا اقدام نموده است.

اثر دیگر، مقاله «دربارۀ برخی ویژگی‌های قوانین ضرب سکه در آذربایجان قرن ۱۰ تا ۱۳ میلادی» [۴] نوشته آکادمیسین پروفیسور رجلی است که در کتاب «نشست علمی بزرگداشت یکصدمین سالگرد باستان‌شناس برجسته آذربایجان صالح مصطفی‌اوغلو گازیف» که در سال ۱۹۹۴ نشر و در سال ۲۰۰۷ میلادی به زبان ترکی آذربایجانی بازنشر گردیده است.

علاوه بر کتاب‌های یادشده بالا در نگارش پژوهش حاضر، از منابع دیگری هم استفاده شده است که از مهمترین آنها می‌توان به مقاله «نظام پولی در عصر ایلخانان (۷۳۶ - ۶۵۴ ه. ق. و ۱۲۳۸ - ۱۲۵۶ میلادی)» [۲۲] اثر سید ابوالفضل رضوی، و مقاله «نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی» [۳۴] نوشته محبوبه شرفی اشاره نمود که اطلاعات خوبی از سکه‌های دوره ایلخانی دارند.

پرسش‌های پژوهش. پرسش‌های اصلی پژوهش بر این مسئله متمرکز بوده است که آیا در دوران گوناگون حکمرانی فرمانروایان در منطقه تاریخی آستارا، سکه‌ای در این منطقه ضرب گردیده است؟ و سوال فرعی اینکه آیا در طول تاریخ، ضرابخانه‌ای مختص ضرب سکه در آستارا وجود داشته است یا خیر؟

فرضیه‌های پژوهش. با توجه به قدمت دیرین و باستانی محال آستارا در گذشته به‌خصوص شکوفایی و اوج شهرت آن در دوران میانه اسلامی، فرض پژوهش بر وجود ضرابخانه سکه و ضرب سکه‌های حکومت‌های گوناگون در آستارا گذاشته شد.

روش پژوهش. شیوه گردآوری مطالب بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع تاریخی اعم از کتاب، پایان‌نامه، اسناد، گزارش‌ها و مقالات علمی در زبان‌های مختلف، به‌همراه کنکاش در سایت موزه‌های معتبر کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای و تارنماهای مورد اطمینان معرفی و معاملات سکه؛ و روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی، با درج اطلاعات مفید و جانبی به‌شکل پاورقی در پانویس مقاله بوده است.

سکه‌های ضرب آستارا

الف - دوره اتابکان آذربایجان (۵۳۱-۶۲۲ هجری قمری). سلجوقیان را رسم بر این بود که شاهزادگان را در خردسالی نزد شخص مورداعتماد و باتجربه‌ای می‌سپردند تا به وی آموزش و تعلیم کشورداری دهد. آل سلجوق، تبار ترکی داشتند و به کسی که مسئولیت سرپرستی و آموزش شاهزادگان دربار را عهده‌دار بود، «اتابیک» به معنای پدر بزرگ و پدر باتجربه گفته می‌گفتند [۳۴]. «در اواخر دوره سلجوقی به سبب ضعف پادشاهان و نزاع و رقابت دائمی آنان با یکدیگر، اکثر این اتابکان از اختیارات خود سوءاستفاده کرده و هر کدام در ناحیه‌ای از متصرفات سلاجقه برای خود دولتی تشکیل دادند» [۲۲، ص. ۸۷].

«اتابکان آذربایجان» که از آنان با نام «ایلدگزیان» نیز نام برده می‌شود از سال ۵۳۱ ه. ق. برابر با ۱۱۳۶ میلادی تا ۶۲۲ ه. ق. برابر با سال ۱۲۲۵ میلادی در بخش‌های غرب و شمال غرب ایران کنونی حکومت نموده‌اند.

حکومت اتابکان آذربایجان با استفاده از منصب اتابکی موجود در ساختار حکومتی سلجوقیان و اختلافات داخلی شاهزادگان سلجوقی توسط اتابک شمس‌الدین ایلدگز^{۱۴} شکل گرفت [۱۴، ص. ۴۳]. پایتخت آنان شهرهای نخجوان، تبریز و همدان بود. ایشان تبار ترک قبیچاقی داشتند و بزرگ آنان شمس‌الدین ایلدگز، در ابتدا برده‌ای بود که در بین سلجوقیان عراق و خاصه دربار سلطان مسعود

۱۴. در متن ارجاعی «ایلدگزیان» نوشته شده بود که به علت تضاد با متون معتبر تاریخی به صورت صحیح یعنی «ایلدگز» اصلاح گردید.

سلجوقی رشدونمو یافته و به امارت آذربایجان رسید و در سال ۵۳۱ ه. ق. حکومتی به نام خود بنیان نهاد. خاندان ایلدگز، قلمروی سلجوقیان عراق را به دست گرفته و مقام اتابکی را موروثی اعلام کردند. در سال ۶۱۹ ه. ق.، لشکریان مغول پس از تسخیر تبریز، شروانشاه را به طرف تالش جهت تسخیر این منطقه گسیل داشتند ولی به علت باران‌های موسمی و سیلابی شدن رودخانه‌ها و وجود جنگل‌های انبوه و نیز نیش پشه مالاریا، بسیاری از لشکریان مغول به تب نوبه مبتلا شده و از بین رفتند. سرانجام اتابک اعظم از آذربایجان به تالش آمده و صلح را با رضایت تالش‌ها برقرار نمود [۴۶، ص. ۱۷۷]. در آن دوره، بیشتر اراضی تالش‌نشین امروزی را اسپهبد می‌نامیدند که مرکزیت آن در ابتدا شندان آستارا بود و بعدها به شهر آستارا منتقل گردید. چنان که دانشنامه ایرانیکا نیز پایتخت اسپهبد را در سده چهاردهم میلادی^۱، آستارا دانسته است [۲۸] رحیمزاده نیز تأکید کرده است که مقصود از اسپهبد، قسمت تالش و آستارای گیلان می‌باشد [۱۹، ص. ۳۵].

در زمان دولت اتابکان به سبب وجود بحران نقره در بیشتر سرزمین‌های آسیای مرکزی و غربی، حکومت‌ها از فلز مس برای ضرب سکه سود می‌جستند. اتابکان آذربایجان نیز بر همین اساس به ضرب سکه‌های مسی روی آوردند. در بهار ۱۳۸۲ خورشیدی برابر با سال ۲۰۰۳ میلادی، یکی از ضرابخانه‌های سکه منسوب به دوره اتابکان آذربایجان در روستای ماشکان آستارا کشف گردید که از آنجا سکه‌های مسی مربوط به آخرین اتابک آذربایجان به دست آمد که به صورت کامل ضرب گردیده بودند [۴۳، ص. ۲۱۷] (تصویر شماره ۱). آخرین حاکم از دودمان اتابکان آذربایجان، اتابک مظفرالدین ازبک بن محمد است که از سال ۶۰۷ ه. ق. برابر با ۱۲۱۰ میلادی تا سال ۶۲۲ ه. ق. برابر با ۱۲۲۵ میلادی به مدت پانزده سال حکمرانی کرد و با مرگ وی، فرمانروایی اتابکان آذربایجان به پایان رسید. بر روی سکه‌های ضرب فرمانروایی او، عبارات «ملک‌العظم اوزبک بن محمد» و بر پشت سکه‌ها نیز، عبارت «الناصر الدین‌الله امیرالمؤمنین» درج گردیده است [۱۳، ص. ۵۶].



تصویر شماره ۱. نمونه‌ای از سکه‌های اتابکان، مکتشفه از ماشکان آستارا.

پس از شناسایی ضرابخانه ماشکان، در تابستان سال ۱۳۸۶ خورشیدی برابر با سال ۲۰۰۷ میلادی در روستای آرچوان آستارای آذربایجان، گنجینه دیگری از سکه‌های دوران اتابکان پیدا شد که

۱۵. برابر با قرن هشتم هجری قمری

نسبت به گنجینه ماشکان قدیمی‌تر بود. «در منطقه گنبد روستای ارچوان آستارا حدود ۱۴۴ سکه مسی مربوط به اتابک نصرت‌الدین ابوبکر کشف گردید» [۴، ص. ۱۷۱]. وی از سال ۵۸۷ ه. ق. برابر با ۱۱۹۱ میلادی، تا سال ۶۰۷ ه. ق. مصادف با ۱۲۱۰ میلادی، اتابک آذربایجان بود [۳۹، ص. ۱۱۲]. بر روی سکه‌ها عبارات «لا اله الا الله محمد رسول الله الناصر للدين الله امير المؤمنين» و بر پشت سکه‌ها، عبارات «السلطان الاعظم شاهنشاه ... ابوبکر محمد» نقش بسته است. این سکه‌ها هم‌اینک در آرشیو موزه تاریخ جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شوند [۲، ص. ۱۸۳].

بنابراین آستارا از اواخر قرن ششم هجری قمری برابر با اواخر قرن دوازدهم میلادی، یعنی بیش از هشتصد سال پیش دارای ضرابخانه سکه بوده و موضوع ضرب سکه‌های ضرب آستارا، برای سال‌های متمادی در حکومت‌های پس از اتابکان آذربایجان مانند ایلخانان، مظفریان، جلایریان، قراقویونلوها و تیموریان نیز ادامه یافته و تکرار شده است.

ب - دوره ایلخانان (۶۵۱ - ۷۳۶ هجری قمری)^{۱۶}. پس از بروز اختلافاتی که منجر به هجوم مغولان به سرزمین‌های تحت سلطه خوارزم‌شاهیان گردید، سربازان چنگیزخان در چندین مرحله به ایران حمله کردند. «سومین دوره از هجوم مغولان به ایران، به فرمان منگوقاآن با اعزام هلاکو برای تکمیل فتح ایران، سرکوب و فتح قلاع اسماعیلیان، تسخیر بغداد و فروپاشی خلافت عباسی صورت گرفت. هلاکو پس از فتح بغداد، عازم آذربایجان شد و با انتخاب مراغه به‌عنوان پایتخت، دولت ایلخانی را با نام حاکمیت ایلخانی تاسیس کرد» [۳۴، ص. ۱۲۲]. تأسیس حکومت ایلخانی در مراغه برحسب اتفاق نبود زیرا پس از فتح ایران، اغلب قبایل مغول و ترک‌تبار در شهرها و روستاهای مناطق «عراق عجم، آذربایجان، اران و موغان سکونت داشتند و در دوره ایلخانان مناطق اخیر جزو آبادترین نواحی ایران محسوب می‌شد» [۲۳، ص. ۷۴]. همین موضوع سبب گردید تا منطقه قومی تالش که دربرگیرنده جنوب آران و سراسر منطقه حاصلخیز دشت مغان بود، رو به پیشرفت گذاشته و رشد قابل توجهی در ولایت آستارا به‌عنوان دارالاماره بخش اعظمی از اراضی تالش به وجود آید.

پس از انقراض رسمی ایلخانان مغول که از سال ۶۵۱ ه. ق. برابر با ۱۲۵۳ میلادی تا سال ۷۳۶ ه. ق. برابر با ۱۳۳۶ میلادی به مدت ۸۳ سال در ایران حکومت می‌کردند، برخی از شاهزادگان منسوب به آنان در گوشه‌کنار سرزمین تحت سلطه آنان ادعای ایلخانی نمودند. به عبارت دیگر با مرگ ابوسعید بهادرخان پسر ألبایتو (۷۳۶-۷۱۶ ه. ق.) حکمرانی دودمان هلاکوخان در ایران منقرض گشت ولی شاهزاده‌ها و دودمان‌های دیگر مغول که در مناطق مختلف کشور پراکنده بودند، هر یک به یاری طرفداران خود، نسبی راستین یا ساختگی درست نموده و ادعای ایلخانی کردند.

در کشاکش اختلافات روی‌داده، «در همان سال ۷۳۶ ه. ق. و در ماه‌های پس از مرگ ابوسعید بهادرخان، در حالی که اریاگون، موسی‌خان و محمدخان عنوان ایلخانی بر خود نهاده بودند، طغاتی‌مور هم به جمع مدعیان مقام ایلخانی پیوست. منتهی او در خراسان بود و نسب به جوجی قسار می‌رساند در حالی که آن سه نفر دیگر در آذربایجان و نواحی پیرامون آن بودند و تبار چنگیزی داشتند» [۱۸، ص. ۱۲۱].

شبانکاره‌ای سال ۷۳۶ ه. ق. را آغاز جنبش طغاتی‌مور برای پادشاهی می‌داند و چنین شرح می‌دهد: «آن هنگامی بود که خبر مرگ ابوسعید، ایلخانی اریا، و نیز پیام او مبنی بر ابقای امرای خراسان بر قاعده عهد ابوسعید رسید. پس از آن در سال بعد که اریا جان باخت بود و حریفان متعددی قدم

۱۶. علت عدم احتساب سال‌های حکومت طغاتی‌مور جزو زمان سلطنت ایلخانان در تیتیر بالا این است که حاکمیت وی در بخش‌هایی از ایران مورد قبول مردم و حکام واقع نگردید و به رسمیت شناخته نشد. همچنین گفتنی است برخی محققان برای وی سلسله‌ای مستقل با نام «طغاتی‌موریه» قائل شده‌اند ولی چون از نسل مغولان بود و خود را ایلخان می‌نامید، در این پژوهش ذیل دوره ایلخانان آورده شد.

به میدان گذارده بودند، طغاتی‌مور عازم غرب ایران شد» [۳۳، ص. ۳۰۶]. اما بعضی از منابع دیگر بر این باور هستند که سال ۷۳۷ ه. ق. زمان تصمیم طغاتی‌مور برای صعود بر اریکه قدرت بوده است [۱۵، ص. ۵]. به گفته سمرقندی دلیل طغاتی‌مور برای ادعای ایلخانی این بود که «در سال ۷۳۷ ه. ق. یعنی یک سال پس از مرگ ابوسعید و در حالی که تا آن زمان سه نفر بر تخت ایلخانی تکیه داده بودند، جمعی از امرای خراسان و عراق، طغاتی‌مور را به پادشاهی برداشتند» [۳۲، ص. ۱۳۵].

شبانکاره‌ای نیز با بررسی مسائل پیش آمده بعد از درگذشت ابوسعید، ضمن بیان مدعیان ایلخانی معتقد بوده است که «استحقاق طغاتی‌مور به سلطنت اولیتر است» [۳۳، ص. ۳۰۶]. «به هر حال طغاتی‌مور با چنین پشتیبانی در سال ۷۳۶ ه. ق. ادعای سلطنت کرد. سپس در سال ۷۳۷ ه. ق. به طرف سلطانیه لشکر کشید. زیرا قرار گرفتن بر منصب ایلخانی مستلزم تصرف تختگاه ابوسعید بهادرخان بود. سفر جنگی او به طرف غرب ایران توأم با ناکامی بود. سپس او بار دیگر در سال ۷۳۹ ه. ق. به عراق عجم لشکر کشید اما باز هم ناکام بازگشت. از این پس طغاتی‌مور در خراسان ماند و اگرچه از ادعای ایلخانی دست نکشید اما تلاشی هم برای آن نداشته است» [۴۵، ص. ۱۳۴-۱۳۶].

بسیاری علت اصلی ناکامی او را عدم استقبال امرای مغول غرب ایران می‌دانند. «در این ایام آنها کوشیده بودند با به پادشاهی رساندن (ساتی‌بیک) خواهر ابوسعید بهادرخان، با مرتبه شاهزادگی طغاتی‌مور مقابله کنند. علم کردن شاهزاده خانمی ایلخانی در برابر طغاتی‌مور یا مطرح ساختن شاهزادگانی از نسل هلاکو که هیچگاه نیز صحت ادعایشان به‌درستی اثبات نشد، راه طغاتی‌مور برای جلب اطاعت امرای مغول را می‌بست» [۱۸، ص. ۱۳۰]. وی سرانجام در ۷۵۴ ه. ق. گشته شد.

در نظام مالی ایلخانان، سکه‌های طلا در معاملات و تجارت خارجی با حکومت‌های همجوار، فعالیت‌های کلان اقتصادی در داخل و برخی از امور دیوانی کاربرد داشته و تعداد آنها به نسبت سایر سکه‌ها، کمتر بوده است. برخی از سکه‌های یادشده نیز جنبه تشریفاتی و یادبود داشته که معمولاً به مناسبت جشن‌ها، مراسم جلوس ایلخان و اعیاد بزرگ ضرب می‌شد [۲۰، ص. ۱۰۵۶]. و سکه‌های نقره از نظر کاربرد اقتصادی، در مقایسه با دیگر سکه‌ها، در معاملات تجاری و رسمی در داخل سرزمین‌های ایلخانی رواج و اهمیت بیشتری داشت. در واقع، نقره، متداول‌ترین واحد مسکوکات در زمان ایلخانان بود که مهمترین ویژگی آن، فراوانی و اغلب عیار بالای آن در بسیاری از دوره‌های تاریخی عصر ایلخانی است.^{۱۷}

در سایت معتبر و جهانی «کریستی» که قریب به ۳۰۰ سال سابقه فعالیت در زمینه آثار ارزشمند کلکسیونی از جمله مسکوکات در سطح جهان دارد، سکه دیناری از جنس نقره و منسوب به طغاتی‌مور ایلخانی به‌همراه اطلاعات آن به‌نمایش گذاشته شده که محل ضرب آن «آستارا» قید گردیده است. [۲۶] (تصویر شماره ۲).



LOT 67
Il-Khanids of Persia, Togha Timur (AH. 739-752),
Double Dinar, Astara

ESTIMATE
£120 - £140
(\$189 - \$220)

PRICE REALIZED
£286
(\$449)

تصویر شماره ۲. نمونه‌ای از سکه دوره طغاتی‌مور ایلخانی، ضرب آستارا.

۱۷. مسکوکات نقره نه تنها در قلمرو ایلخانان، بلکه در سراسر قلمرو مغولان به استثنای چین، نقش اصلی را در معاملات داشته است [۸، ص. ۱۹۳].

در نگاه نخست، با آگاهی از این موضوع که طغاتی‌مور هیچ‌وقت در غرب و شمال غرب ایران به عنوان ایلخان حکومت نکرده و تاکنون سکه‌ای از وی که ضرب مناطق شمال غرب و غرب ایران کنونی باشد به دست نیامده و نیز اطلاع از مرکز فرمانروایی وی که در شرق ایران و خراسان بوده؛ وجود چنین سکه‌ای از وی با محل ضرب آستارا عجیب می‌نماید. با اینحال نگارنده پژوهش حاضر تلاش کرده است تا با بیان نکاتی از حضور مغول‌ها در آستارا، امکان درستی این رویداد را اثبات و یا حداقل به اثبات نزدیکتر نماید.

نکته یک: طغاتی‌مور از ابتدا به عنوان ملازم دربار ایلخان بهادرخان ابوسعید در منطقه آذربایجان حضور فعال داشته است تا اینکه در سال ۷۳۳ ه. ق. با درگذشت پدرش «سودی کاون» به دستور ابوسعید به خراسان - که معمولاً ولیعهدنشین بوده - رفته و در آنجا اقامت می‌کند. [۳۰۶، ص. ۳۳]. اقامت در دربار ابوسعید و حضور چشمگیر در رتق و فتق امور مناطق شمال غرب ایران، می‌توانست وی را در یافتن دوستان و یا طرفدارانی در منطقه از آن جمله ولایت گسترده آستارا، که ابن‌بزاز از آن با عنوان میان‌شهر گیلان نامبرده است [۶، ص. ۱۵۹] یاری کند.

همچنین وجود عمارت و شهر تاریخی «دریان محله»^{۱۸} در آستارای جمهوری آذربایجان، باغ منسوب به یکی از حکام دوره مغول در روستای باغچه‌سرای آستارای ایران^{۱۹}، بنای بقعه شیخ محمود خیوی که در دوره ایلخانان مغول احداث گردیده است و به گفته دکتر منوچهر ستوده از عجایب هفتگانه گیلان به شمار می‌رود [۳۱، ص. ۱۳/۱]. و نیز گورستان قدیمی و منسوب به مغولان در روستای کانرود آستارا^{۲۰} ثابت می‌کنند که طغاتی‌مور همپیمانانی از بومیان یا مغمولان ساکن در منطقه آستارا داشته است که وی را دوبار برای حمله به تبریز و آذربایجان ایران دلگرم و تشویق نموده‌اند. دور از ذهن نیست که همان‌ها جهت اعلان حمایت از ایلخانی طغاتی‌مور به ضرب سکه به نام وی در آستارا نیز اقدام نموده باشند.

نکته دو: بنابه نتایج به دست آمده درباره سیاست‌های کلان پولی دوره ایلخانی؛ «مسکوکات یادشده عموماً دربردارنده نوع ارتباط سیاسی میان ایلخان و امیر و یا حاکم تابع وی نیست» [۷، ص. ۱۴۷-۲۴۷]. و ممکن است امیر و حاکمی - از جمله در آستارا - با وجود دوری از محل حکومت طغاتی‌مور که در خراسان بوده و به سبب ابراز ارادت و یا همپیمانی با وی، به نام او سکه ضرب نموده باشد که وجود سکه‌های دینار به دست آمده از آستارا، این مسئله را تایید می‌نماید. این موضوع، بعدها نیز در آستارا تکرار گردید که در بخش سکه‌های دوره تیموریان بدان پرداخته خواهد شد.

ج - دوره مظفریان (۷۱۳-۷۹۵ هجری قمری). مظفریان یا آل مظفر یکی از سلسله‌های حکومتی خراسان بودند که بعد از مرگ ابوسعید ایلخان مغول دست به استقلال زده و یزد، کرمان، فارس و برخی از شهرهای دیگر ایران را تصرف کردند. مظفریان از سال ۷۱۳ ه. ق. برابر با ۱۳۱۴ میلادی تا سال ۷۹۵ ه. ق. برابر با ۱۳۹۳ میلادی بر بخش‌هایی از ایران حکومت نمودند.

۱۸. نام ترکی شده آن، قاپوچی محله (qāpuçimahalla) است که در مرکز شهر آستارای جمهوری آذربایجان قرار دارد.

۱۹. «آلاشا یا علی‌شاه یکی از سرداران مغول بوده که در محال آستارا مدت‌ها حکومت مستقل داشته» [۶، ص. ۱۵۸]. برخی نام اصلی وی را تاج‌الدین علی‌شاه گیلانی (و به قولی تبریزی) می‌دانند که وزیر الجایتو و ابوسعیدخان مغول و حاکم آستارا بود و از ابرومندان و افراد ذی‌نفوذ دربار ایلخانان به شمار می‌رفت.

۲۰. به باور بومیان منطقه، آنجا آرامگاه ایلخان معروف مغول ارغون‌شاه است که ارادت و بیژهای به شیخ زاهد گیلانی آستارایی داشته است. از جمله نوشته اند: «در سمت غربی آبادی کهنرود (کانرود) مقر فرماندهی ارغون‌شاه بوده است که آرامگاه‌اش در میان درختان شمشاد قرار دارد و در میان تالش‌ها به (آغوشه گور) معروف است» [۴۹، ص. ۳۵].

مظفریان با امیر مبارزالدین محمد پا به عرصه تاریخ گذاشته و با اقدامات شاهشجاع وسعت اراضی تحت حکومت خود را گسترش دادند. ابوالفوارس جلالالدین شاهشجاع قوی‌ترین امیر آل مظفر بود، به حدی که در نامه‌ای که در جواب گزارش حاکم سیستان از دست‌اندازی و وحشیگری لشکریان امیر تیمور به وی نگاشته بود، آمادگی کامل خود را برای رویارویی با امیر تیمور اعلام نمود.

بسیاری معتقدند اگر مرگ نابه هنگام وی اتفاق نمی‌افتاد، تاریخ ایران به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. مظفریان، نخستین حکومت ایرانی بودند که پس از سال‌ها حکومت مغولان و ترک‌تباران بر ایران سلطنت کردند ولی در نهایت با یورش تیمورگورکانی از میان رفتند و شاهزادگان و بازماندگان‌شان نیز به دستور تیمور قتل‌عام شدند.

در سایت «ای سی سرچ»^{۲۱}، که یکی از سایت‌های معتبر بین‌المللی در زمینه معرفی و معامله سکه‌های ادوار مختلف تاریخی و جزو کامل‌ترین آرشیوهای آنلاین سکه‌های جهان است، دیناری از جنس نقره و مربوط به شاهشجاع مظفری به وزن ۱/۷۴ گرم به نمایش گذاشته شده که ضرب آستارا است [۲۷] (تصویر شماره ۳). نکته خاص این سکه، درج نام «آستار» به جای نامواژه «آستارا» است که در این مورد توضیح چند نکته ضروری است:



تصویر شماره ۳. نمونه‌ای از سکه دوره مظفریان، ضرب آستار (آستارا).

نکته یک: در متن انگلیسی معرفی‌نامه محل ضرب سکه، «آستار» برابر با آستارای امروزی و شهری در ساحل دریای کاسپین (واقع در مرز ایران و جمهوری آذربایجان) معرفی شده است^{۲۲} که صحت انتساب این سکه به آستارا را ثابت می‌کند.

نکته دو: در برخی از متون تاریخی مانند صفوه‌الصفاء، تاریخ‌الجایتو، مکاتبات رشیدی، تاریخ گیلان و دیلمستان و ... از آستارا به شکل «آستاره» نیز نام برده شده است [۶، ص. ۹۸۳؛ ۱۵، ص. ۷۰؛ ۲۱، ص. ۲۷۱؛ ۴۲، ص. ۲۷۲]. در واقع هر سه حالت «آستار» با «آستاره» و «آستارا» یکسان است با این تفاوت جزئی در شیوه نگارش که در اولی از (فتحه مستتر)، در دومی از (ه با صدای فتنه) و در دیگری از (آ) برای نوشتن (الف) آخر نامواژه آستارا استفاده شده است.

نکته سه: در کتاب صریح‌الملک که در سال ۱۳۸۰ خورشیدی توسط انتشارات معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه در ۴۰۴ صفحه انتشار یافت و شامل وقف‌نامه‌های مربوط به دوران شاه طهماسب و شاه عباس صفوی به بارگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است؛ از آستارا با عنوان

21. acsearch: archive for coins search

22. «Astar, now Astara on the Caspian Sea (at the border of Iran & Azerbaijan), was a very rare medieval mint...» [27].

گیلان «آستارا» نام برده شده است [۳۷، ص. ۱۴۵]. و همین موضوع یکی بودن «آستارا»ی امروزی با «آستارا» دوره مظفریان و صفوی را تأیید و تثبیت می‌کند.

د - دوره جلایریان (۷۴۰-۸۳۵ هجری قمری). جلایریان یا آل‌جلایر، یکی از حکومت‌هایی بود که پس از مرگ ابوسعید ایلخان مغول، در میان مدعیان سر برافراشته و از سال ۷۴۰ ه. ق. برابر با ۱۳۴۰ میلادی تا سال ۸۳۵ ه. ق. مقارن با ۱۴۳۲ میلادی در اوج قدرتش بر بین‌النهرین، عراق عجم و عرب، آذربایجان ایران و بخشی از قفقاز حکمرانی نمودند. جلایریان چهار سلطان داشتند که به ترتیب عبارت بودند از: شیخ حسن بزرگ، شیخ اویس بهادرخان، شیخ حسین اول و سلطان احمد، که قوی‌ترین ایشان، سلطان اویس بهادرخان بود.

در سایت «انجمن سکه آمریکا»، که به سال ۱۸۵۸ میلادی تأسیس گردیده و هشتصد هزار شیء ارزشمند از قبیل سکه و اسکناس و غیره در تارنمای آنلاین خویش دارد؛ سکه‌های درهمی از جنس نقره و به وزن‌های ۱/۹۶ و ۱/۷۶ گرم، مربوط به دوران سلطان اویس جلایری وجود دارند که تاریخ ضرب آنها به ترتیب به سال‌های ۷۵۷ ه. ق. برابر با ۱۳۵۶ میلادی تا سال ۷۷۶ ه. ق. مصادف با ۱۳۷۵ میلادی و دیگری از سال ۷۵۹ ه. ق. برابر با ۱۳۵۸ میلادی تا سال ۷۷۰ ه. ق. مصادف با ۱۳۶۹ میلادی برمی‌گردد و هر دو نمونه در «آستارا» ضرب گردیده‌اند [۲۴] (تصویر شماره ۴).

ه - دوره قراقویونلوها و تیموریان (۷۷۱-۹۱۱ هجری قمری) ۲۳. قراقویونلوها از ترکمانان مهاجر به شمال غرب ایران بودند که در ابتدا دست‌نشانده حکومت جلایریان گردیده و از طرف آنان در تبریز و بغداد سلطنت می‌کردند ولی در حدود سال ۷۷۷ ه. ق.، قرايوسف رهبر قراقویونلوها از اطاعت جلایریان سرپیچی نموده و ادعای استقلال کرد. به عبارت دیگر، قراقویونلوها مانند دیگر مدعیان سلطنت پس از برچیده شدن ایلخانان، از سال ۷۸۰ ه. ق. برابر با ۱۳۷۸ میلادی در شمال دریایچه وان و مناطق آذربایجان به قدرت رسیدند و تا سال ۸۷۴ ه. ق. مصادف با ۱۴۶۹ میلادی به حکومت پرداختند.

پیش از قراقویونلوها، تیمور گورکانی حکومتی گسترده را در آسیای میانه تشکیل داده بود که بعدها بخش‌های مختلفی از ایران، ماوراء قفقاز، عثمانی و هند را بدان اراضی اضافه نمود و تصمیم داشت در شرق چین و در غرب کشور تحت فرمانش مصر را نیز تصرف کند که آجل امانش نداد. گرچه برخی معتقدند که چون تیمور به قزل‌آغاج^{۲۴} رسید، حکام گیلان به اضطراب و تشویش افتاده و سیدرضی کیا و امیرمحمد رشتی هدایایی پیشکش تیمور نمودند و بدین ترتیب او از جنگ با اهالی ایالت گیلان خودداری کرد [۴۰، ص. ۳۱۴۱ و ۳۱۴۲]. ولی در کتاب «منم تیمور جهانگشا» که بخشی از خاطرات تیمور لنگ از سفرهای جنگی‌اش است، از شهر اسپهبد نام می‌برده شده که مؤید حضور وی در آستارا است [۱۰، ص. ۱۶۵].

۲۳. از آنجا که قراقویونلوها در ابتدا به نام جلایریان خطبه می‌خواندند و سکه می‌زدند و بعدها نیز برای مدتی به نام تیموریان سکه ضرب نموده‌اند و لذا در تیترا بالا (تاریخ داخل پرانتز)، سال‌های حکومت تیموریان (۷۷۱ - ۹۱۱ ه. ق.) قید گردیده است که سال‌های حکمرانی قراقویونلوها (۷۸۰ - ۸۷۴ ه. ق.) را نیز پوشش می‌دهد.
۲۴. روستایی در تالش شمالی واقع در خاک جمهوری آذربایجان که در حال حاضر جزو شهرستان لنکران است.

Silver dirham of Shaykh Uways, Astara, 1356 – 1374. 1922.216.109

Physical Description

Axis: 0

Date on Object

Date: xxx

Measurements

Weight: 1.79

Typological Description


Object Type: سکه 

Date Range

From Date: 1356

To Date: 1374

Denomination: dirham

Material: نقره 

Authority

Dynasty: Jalayrid

Authority: Shaykh Uways

Geographic

Mint: Astara

Region: Mashriq

Locality: Daylam and Jilan

Silver dirham of Shaykh Uways, Astara, 1358 – 1368. 1966.152.7

Physical Description

Axis: 0

Date on Object

Date: 76x

Measurements

Weight: 1.96

Typological Description

Object Type: سکه 

Date Range

From Date: 1358

To Date: 1368

Denomination: dirham

Material: نقره 

Authority

Dynasty: Jalayrid

Authority: Shaykh Uways

Geographic

Mint: Astara

Region: Mashriq

Locality: Daylam and Jilan

تصویر شماره ۴. نمونه‌ای از سکه‌های دوره جلایریان، ضرب آستارا.

سکه‌هایی نیز از تیمور در دست است و به گزارش سایت رسمی فرمانداری شهرستان آستارای جمهوری آذربایجان، «سکه‌هایی که در دوره امیر تیمور گورکانی^{۲۵} و پس از وی با درج (ضرب آسترا) موجودند، مستقیماً در آستارا زده شده‌اند. دانشمندان اروپایی این موضوع را در آثار خود به اثبات رسانیده‌اند. هم‌اکنون شانزده نمونه از این سکه‌ها در پژوهشکده تاریخ آکادمی ملی علوم جمهوری تاجیکستان نگهداری می‌شوند» [۲۹].

پس از مرگ تیمور، شاهرخ میرزا^{۲۶} به حکومت رسید. وی سه بار برای فتح آذربایجان و اران اقدام نمود که پس از حمله سوم وی به آذربایجان «و کوتاه کردن دست اسکندر قراقویونلو از شهرها و بخش‌های گوناگون در شمال غرب ایران، در همه آذربایجان به نام وی خطبه خوانده شده و سکه زدند... در حین عزیمت به هرات در ۱۴ اکتبر ۱۴۳۶ میلادی برابر با ۲ ربیع‌الثانی ۸۴۰ هجری قمری، حکومت آذربایجان را به جهانشاه برادر کوچکتر اسکندر قراقویونلو که از حامیان تیمور بود، واگذار نمود» [۳۲، ص. ۶۸۴ و ۶۹۰].

بعدها جهانشاه توانست قلمروی قراقویونلوها را گسترش دهد ولی تا شاهرخ زنده بود، جهانشاه به اراضی تیموریان تخطی ننمود. این احترام تا حدی بود که وقتی قراقویونلوها اراضی جمهوری آذربایجان کنونی را در اوایل قرن پانزدهم میلادی فتح کردند، نخستین سکه‌های نقره خود را در آستارا به اسم حاکمان تیموری ضرب نمودند [۲۵]. تعدادی از آن سکه‌ها به سال‌های ۸۳۱ ه. ق. برابر با ۱۴۲۷ میلادی و ۸۳۴ ه. ق. مصادف با ۱۴۳۰ میلادی ضرب گردیده است و به ترتیب وزنی برابر با ۵/۱۵ گرم و ۵/۱۰ گرم دارند. جنس سکه‌ها از نقره بوده و اندازه سکه‌های ضرب ۸۳۱ ه. ق.، ۲۲ میلی‌متر و اندازه سکه‌های ضرب ۸۳۴ ه. ق.، ۲۱ میلی‌متر می‌باشد. علاوه بر آنها، سکه‌هایی در آذربایجان به دست آمده که در دوره جهانشاه حاکم قراقویونلو به سال ۸۴۰ ه. ق. برابر با ۱۴۳۶ میلادی به نام شاهرخ تیموری در آستارا ضرب شده‌اند [۵، ص. ۳۵؛ ۳، ص. ۳۲]. محل ضرب سکه‌ها، به صورت «آسترا» قید شده است (تصویر شماره ۵). درباره سکه‌های ذکر شده، بیان چند نکته لازم است:



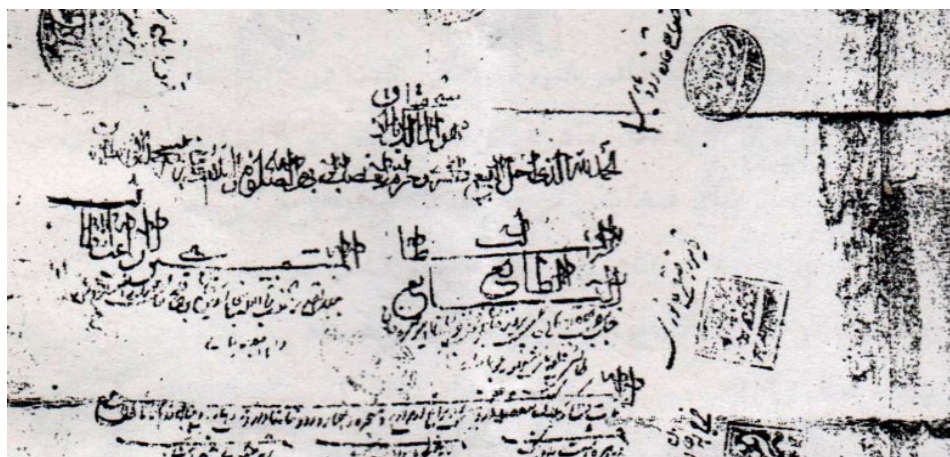
تصویر شماره ۵. نمونه‌ای از سکه دوره قراقویونلو – تیموریان، ضرب آسترا (آستارا).

۲۵. تیمور گورکانی مؤسس سلسله تیموریان، متولد ۷۳۶ ه. ق. برابر با ۱۳۳۶ میلادی و وفات ۸۰۷ ه. ق. مصادف با ۱۴۰۵ میلادی است.

۲۶. شاهرخ فرزند تیمور و دومین شاه تیموریان، متولد ۸۰۷ ه. ق. برابر با ۱۴۰۵ میلادی و وفات ۸۵۰ ه. ق. مصادف با ۱۴۴۷ میلادی است.

نکته یک: قدیمی‌ترین منبعی که از آستارا تحت عنوان «استراب» نام برده، کتاب حدودالعالم من المشارق إلى المغرب می‌باشد که از مؤلفی بی‌نام در قرن چهارم هجری قمری برجای مانده است. در آن ماخذ درباره شهرهای غرب رودخانه سپیدرود گیلان چنین آمده است: «... و اما آنکه آن سوی رودیانند، ایشان را یازده ناحیت است بزرگ چون: حانکچال، تنک، کوتم، سراوان، پیلمان‌شهر، رشت، تولیم، دولاب، کهن‌رود، استراب، خانیلی...» [۱۶، ص. ۱۴۹]. دور از ذهن نیست که با گذشت زمان، حرف (ب) از انتهای نامواژه «استراب» افتاده و نامش به شکل «آسترا» رواج یافته است.

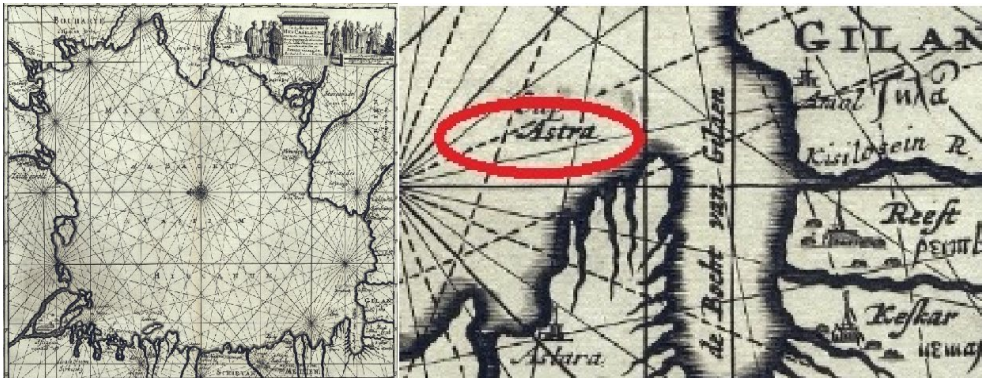
نکته دو: در یکی از اسناد که مربوط به دوره اواخر افشاریه و اوایل زندیه آستارا است از نام آن با عنوان «آسترا» به شکل پسوند مکان «آسترائی» نام برده شده است که نشان می‌دهد نام «آسترا» همچنان تا سال‌ها پس از دوره تیموریان نیز در بین مردم رایج بوده است. بخشی از محتوای سند بدین شرح است: «... المشتري الراغب الطائب جليل القدر عالی منسب شجاع‌الدین‌خان مهرانی ابن قلیچ‌خان مهرانی آسترائی...» [۴۶، ص. ۶۱۹-۶۱۷] (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶. بخشی از سند مربوط به دوره صفویه که از قلیچ‌خان مهرانی آسترائی نام برده شده است.

نکته سه: در نقشه‌های قدیمی به زبان فرانسوی که زمان ترسیم آن مربوط به کمتر از سیصد سال پس از تاریخ ضرب سکه نامبرده بوده و به دست رسام زبردست «پی‌یر واندر آ»^{۲۷} ترسیم گردیده، از نامواژه «آسترا» در سواحل آستارای گیلان نام برده است (تصویر شماره ۷).

نکته چهار: دانشمند روسی ا. م. مارکوف، از سکه‌های ضرب دریند، شماخی، تبریز و در عین حال آستارا نام برده و پس از انجام مطالعات عمیق و گسترده بر روی آنها، اطلاعات کاملی درباره هر یک از سکه‌ها داده است. وی با بیان دلایلی ثابت کرده که «اسامی شهرهایی که بر روی سکه‌ها درج گردیده به خصوص شهر آسترا، همان آستارای امروزی در شمال ایران و جنوب جمهوری آذربایجان است و ایلخانان، جلایریان، تیموریان و جانشینان آنان در ضرابخانه آستارا، سکه ضرب نموده‌اند» [۱، ص. ۳۹۴-۳۹۸].



تصویر شماره ۷. نقشه دریای کاسپین و درج نام آسترا (آستارا).

نتیجه. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر بر درستی فرضیه‌های مطرح شده در ابتدای مقاله صحه گذاشته و درستی آنها را ثابت می‌کنند. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که آستارا به عنوان مرکز ولایت گسترده تالشان، از اواخر سده ششم هجری قمری دارای ضرابخانه سکه بوده و ضرب سکه در این ناحیه تا اواخر قرن نهم هجری قمری ادامه یافته است. سکه‌های موجود نشان می‌دهند که اتابکان آذربایجان نخستین سلسله و تیموریان آخرین حکومتی بوده‌اند که در آستارا نسبت به ضرب سکه اقدام نموده‌اند. نگارنده مقاله حاضر بر این باور است که در صورت انجام کاوش‌های علمی باستان‌شناختی در اراضی بندر آستارای ایران، اطلاعات بیشتری از وضعیت حاکم‌نشین آستارا از نگاه سکه‌شناسی در دوران گوناگون به دست خواهد آمد و چه بسا که سکه‌هایی متعلق به حکام قدیمی‌تر اتابکان یا سلسله‌های حکومتی کهن‌تر از آنان نیز به دست آید.

فهرست منابع

1. Марков А. К. Инвентарный каталог мусульманских монет Императорского Эрмитажа, Санкт-Петербург, 1896.
2. Bünyadov Z. Azərbaycan Atabəyləri Dövləti: 1136–1225 ci İllər, Bakı : Şərq-qərb, 2007.
3. Pul. Bakı: Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsi, 2012.
4. Rəcəbli Ə. M. X-XIII əsrlərdə Azərbaycanda sikkə rəqəliyasının sikkə zərbi hüququnun həyata keçirilməsinin bəzi xüsusiyyətləri haqqında, 2-nci nəşri. Bakı : Elm, 2007. Pp. 170–171.
5. Vəlixanlı N. Azərbaycanda Dövlətçilik Və Onun Rəmzləri. Bakı : Azərbaycan Elmlər Akademiyası, 2000.
6. ابن‌بزا د. ت. صفوه الصفا / تصحيح غلامرضا اربابی مجد. تهران : نشر زریاب، ۱۳۷۶.
7. احمد ت. موزه همایون (مسکوکات قدیمه اسلامیة)، قسطنطنیه : طبع اولتمشدر، ۱۳۲۱ ق.
8. بارتولد و. و. تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی. تهران : انتشارات توس، ۱۳۷۶.
9. برادیکاهی س. جواهر نامه لنگران، ترجمه علی عبدلی. رشت : نشر گیلکان، ۱۳۷۸.
10. بریون م. منم تیمور جهانگشا / ترجمه ذبیح‌الله منصورى. تهران : انتشارات بهزاد، ۱۳۹۷.

۱۱. بشارتی س. گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی در حوزه فرهنگی تالش. *فصلنامه تحقیقات تالش (علمی-پژوهشی)*. سال اول، زمستان ۱۳۸۰. شماره دوم. ص ۱۲۵.
۱۲. پیرنیا ح. تاریخ ایران باستان. جلد اول. تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
۱۳. ترابی طباطبایی س. ج. سکه‌های شاهان اسلامی. تبریز: انتشارات فرهنگ و هنر، ۱۳۵۰.
۱۴. تیموری ت. روابط سیاسی اتابکان آذربایجان با خلفای عباسی. *نشریه علمی-پژوهشی تاریخ ایران*. تابستان و پاییز ۱۳۹۴. شماره ۱۸ (۷۶/۵). ص ۴۳-۸۰.
۱۵. حافظ ا. ذیل جامع‌التواریخ رشیدی / به اهتمام دکتر خان‌بابا بیانی. تهران: بی‌جا، ۱۳۸۰.
۱۶. حدود العالم من المشارق إلى المغرب / به کوشش دکتر منوچهر ستوده. تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۶۲.
۱۷. حریری ا. آستارا در گذرگاه تاریخ. رشت: انتشارات دهرسا، ۱۳۸۵.
۱۸. خیراندیش ع. مرتبه شاهزادگی فرزندان جوجی‌قنار و تلاش طغایمورخان برای مقام ایلخانی. *پژوهشنامه علوم انسانی (علمی-پژوهشی)*. پاییز ۱۳۸۵. شماره ۵۱. ص ۱۱۹-۱۳۲.
۱۹. رحیمزاده صفوی ر. زندگانی شاه اسماعیل. تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۸۹.
۲۰. رشیدالدین ف. جامع‌التواریخ / به کوشش بهمن کریمی. تهران: اقبال، ۱۳۶۲.
۲۱. رشیدالدین ف. مکاتبات رشیدی. لاهور: نشر محمد شفیع، ۱۳۶۴.
۲۲. رضایی ع. تاریخ ده هزار ساله ایران. تهران: نشر اقبال، ۱۳۷۵.
۲۳. رضوی س. نظام پولی در عصر ایلخانی. *مجله پژوهش‌های تاریخی (علمی-پژوهشی)*، دوره جدید. زمستان ۱۳۸۸. شماره ۴. ص ۶۵-۸۶.
۲۴. سایت انجمن سکه ایالات متحده آمریکا. URL: www.numismatics.org.
۲۵. سایت جامع گردشگری و صنایع دستی جمهوری آذربایجان. URL: www.azerbaijans.com.
۲۶. سایت جهانی حراجی آثار کلکسیونی (سکه، جواهر و اشیاء هنری و تاریخی). URL: www.christies.com.
۲۷. سایت جهانی معرفی و معامله سکه‌های تاریخی سرزمین‌های گوناگون. URL: www.acsearch.info.
۲۸. سایت دانشنامه برخط ایرانیکا. URL: www.iranicaonline.org.
۲۹. سایت فرمانداری شهرستان آستارا جمهوری آذربایجان. URL: www.astara-ih.gov.az.
۳۰. سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. URL: www.ical.ir.
۳۱. ستوده م. از آستارا تا آستاراآباد. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹. جلد اول.
۳۲. سمرقندی ک. ع. مطلع سعیدین و مجمع بحرین / تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳.
۳۳. شبانکاره‌ای م. ع. م. مجمع‌الانساب / به تصحیح هاشم محدث. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۳۴. شرفی، م. نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی. *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام (علمی-پژوهشی)*. پاییز و زمستان ۱۳۹۵. شماره ۱۹. ص ۱۲۱-۱۴۴.
۳۵. عبادالزاده ملکی ج. آستارا دروازه‌ی تمدن: جغرافیای تاریخی آستارا. آستارا: نشر مکتوب آستارا، ۱۳۸۹.
۳۶. عبدلی ع. تاریخ تالش. تهران: نشر جامعه نگر، ۱۳۸۶.
۳۷. عبدی‌بیگ نویدی شیرازی ز. صریح‌الملک؛ وقف‌نامه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. تهران: انتشارات معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۰.
۳۸. عون‌اللهی س. قلعه‌شدان / ترجمه علی عبدلی. *نشریه فرهنگی، هنری، پژوهشی گیله وا*. سال سوم، ضمیمه شماره‌های ۲۴ و ۲۵ (تالش ۲). شهریور و مهر ۱۳۷۳. ص ۴-۱۶.

۳۹. قاسمی اندرود پ. سکه‌های اتابکان آذربایجان مکتوفه در استان زنجان. *نشریه پیام باستان‌شناس (علمی پژوهشی)*. سال ششم. بهار و تابستان ۱۳۸۸. شماره یازدهم. ص. ۱۱۱-۱۲۱.
۴۰. قزوینی و. خلدبرین: تاریخ تیموریان و ترکمانان / به کوشش میرهاشم محدث. تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
۴۱. کسروی س. کاروند کسروی / به کوشش یحیی ذکاء. تهران: نشر شرکت سهامی، ۱۳۷۰.
۴۲. مرعشی ظ. تاریخ گیلان و دیلمستان / تصحیح منوچهر ستوده. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۷.
۴۳. موسی‌اوغلو ض. دولت اتابکان آذربایجان / مترجم علی داشقین (حسین زاده). تبریز: نشر اختر، ۱۳۸۳.
۴۴. ناوی تالشی م. ص. مقالات سیدنیکی / به کوشش شهرام آزموده. رشت: نشر جاوید، ۱۳۷۸.
۴۵. نبئی ا. اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم هجری: از سقوط ایلخانان تا تشکیل تیموریان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.
۴۶. نعمت‌اللهی ب. تاریخ جامع آستارا و حکام نمین. اردبیل: نشر شیخ صفی‌الدین، ۱۳۸۰.

REFERENCES

1. Markov, A. K. (1896), *Inventarnyj katalog musul'manskih monet Imperatorskogo Ėrmitaža*, Saint Petersburg.
2. Bünyadov, Z. (2007), *Azərbaycan Atabəyləri Dövləti: 1136-1225 ci illər*, Bakı: Şərç-qərb.
3. Pul (2012), *Bakı: Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsi*.
4. Rəcəbli, Ə. M. (2007), *X-XIII əsrlərdə Azərbaycanda sikkə reqliyasının sikkə zərbi hüququnun həyata keçirilməsinin bəzi xüsusiyyətləri haqqında*, 2-nci nəşri, Bakı: Elm, pp. 170–171.
5. Vəlixanlı, N. (2000), *Azərbaycanda Dövlətçilik Və Onun Rəmzləri*, Bakı: Azərbaycan Elmlər Akademiyası.
6. Ibn Bazzāz, D. T. (1376/1997), *Şafvat aş Safa*, taşhih-e Gholamreza Arbābī Majd, Tehran: Nashr-e Zaryāb. (In Persian).
7. Ahmad, T. (1321 AH/1903), *Mūze-ye Homāyūn (Maskukat-e Qadīme-ye Eslāmīyeh)*, Constantinople: Tab'-e Ūltmoshdor.
8. Barthold, V. V. (1376/1997), *Tārikh-e torkhā-ye Āsīyā-ye mīyāneh*, Translated by Ghaffar Hoseynī, Tehrān: Enteshārāt-e Tūs.
9. Barādīgāhī, Sa'īd 'Alī (1378), *Javāhernāme-ye Lankarān*, Tarjomeh-ye 'Alī 'Abdolī, Rasht: Nashr-e Gīlān.
10. Brion, M. (1397/2018), *Manam Tīmūrjahāngosha*, tarjomeh-ye Zabīhollāh Manšūrī, Tehran: Enteshārāt-e Behzād.
11. Beshāratī, S. (1380/2001), "Gozāresh-e kavoshhā-ye bāstan-shenāsī dar howze-ye farhangi-ye tālesh", *Fasl-nāme-ye tahqiqāt-e tālesh ('elmī-ye pazhūheshī)*, Sāl-e avval, No. 2, Winter 80, p. 125.
12. Pīrnīya, H. (1391/2012), *Tārikh-e Īrān-e bāstān*, Vol. 1, Tehran: Moasseseh-ye enteshārāt-e Negāh.
13. Torābī-Ṭabāṭabāyī, S. J. (1350/1971), *Sekkehā-ye shāhān-e eslāmī*, Tabriz: Enteshārāt-e Farhang va honar.

14. Tīmūrī, T. (1394/2015), “Ravābet-e siyāsī-ye Atābakān-e Āzarbāyjān bā kholafā-ye ‘Abbāsī”, *Nashriyeh-ye ‘elmī-ye pashūheshī Tārikh-e Īrān*, No. 18 (5/76), Summer and autumn 94, pp. 43–80.
15. Hāfez-e Abru (1380/2001), *Žayl-e jāme‘ ot Tavārikh Rashīdī*, Beh ehtemām-e doktor Khānbābā Bayānī, Tehran : Bī-jā.
16. *Hodūd ol ‘ālam men al mashāreq elā l maghreb* (1362/1983), Beh kūshesh-e doktor Manūchehr Sotūdeh, Tehran : Enteshārāt-e Ṭahūrī.
17. Ḥarīrī, A. (1385/2006), *Āstārā dar Gožargāh-e tārikh*, Rasht : Enteshārāt-e Dehsarā.
18. Kheyrandīsh, A. R. (1385/2006), “Martabeh-ye shāhzādegī-ye farzandān-e Jūjī Qesār va talāsh-e Toqātmūr-Khān barā-ye maqām-e Īlkhānī”, *Pashūheshnāmeḥ-ye ‘olūm-e ensānī (‘elmī-ye pashūheshī)*, No. 51, Autumn 1385, pp. 119–132.
19. Raḥīmzādeh-Şafavī, R. (1389/2010), *Zendegānī-ye shāh Īsmā‘īl*, Tehran : Nashr-e Donya-ye ketāb.
20. Rashīd od Dīn, F. (1362/1983), *Jāme‘ ot tavārikh*, Beh kūshesh-e Bahman Karīmī, Tehran : Īqbāl.
21. Rashīd od Dīn, F. (1364/1985), *Mokātebāt-e Rashīdī*, Lahore : Nashr-e Moḥammad Shafī‘.
22. Reżāyī, ‘A. (1375/1996), *Tārikh-e dah hezār sāleh-ye Īrān*, Tehran : Nashr-e Īqbāl.
23. Reżavī, S. A. (1388/2009), “Nezām-e pūlī dar ‘aşr-e Īlkhānī”, *Majalleh-ye pashūheshhā-ye tārikhī (‘elmī-ye pashūheshī)*, *dowre-ye jadīd*, No. 4, Winter 88, pp. 65–86.
24. *Sāyt-e anjoman-e sekkeh-ye Īyālāt-e Mottaḥedeh-ye Āmrīkā*. Retrieved from www.numismatics.org.
25. *Sāyt-e jāme‘-e gardeshgarī va şanāye‘-e dastī-ye Jomhūrī-ye Āzarbāyjān*. Retrieved from www.azerbaijans.com.
26. *Sāyt-e jahānī-ye harājī-ye āsār-e koleksiyonī (sekkeh, javāher va ashyā‘-e honarī va tārikhī)*. Retrieved from www.christies.com.
27. *Sāyt-e jahānī-ye mo‘arrefī va mo‘āmeleh-ye sekkehā-ye tārikhī-ye sarzamīnhā-ye gūnāgūn*. Retrieved from www.acsearch.info.
28. *Sāyt-e dāneshnāmeḥ-ye barkhatt-e Īrānīkā*. Retrieved from www.iranicaonline.org.
29. *Sāyt-e farmāndārī-ye shahrestān-e Āstārā-ye Jomhūrī-ye Āzarbāyjān*. Retrieved from www.astara-ih.gov.az.
30. *Sāyt-e ketābkhāneh, mūzeh va markaz-e asnād-e Majles-e Showrā-ye Eslāmī*. Retrieved from www.ical.ir.
31. Sotūdeh, M. (1349/1970), *Az Āstārā tā Āstārābād*, Vol. 1, Tehran : Enteshārāt-e Anjoman-e āsār-e mellī.
32. Samarqandī, K. A. (1353/1974), *Maḥla ‘-e Sa‘deyn va majma ‘-e Bahreyn*, Taşḥīḥ-e ‘Abd ol Ḥoseyn Navāyī, Tehran : Enteshārāt-e Ketābkhāneh-ye Tahūrī.
33. Shabānkāreh-ī, M. A. M. (1363/1984), *Majma ‘ ol ansāb*, Beh taşḥīḥ-e Hāshem Moḥaddeş, Tehran : Enteshārāt-e Amīr Kabīr.
34. Sharafī, M. (1395/2016), “Nezām-e zarb-e sekkeh va mobādelāt-e pūlī dar ‘aşr-e Īlkhānī”, *Majalleh-ye pashūheshhā-ye tārikhī-ye Īrān va eslām (‘elmī-ye pashūheshī)*, No. 19, Autumn and winter 95, pp. 121–144.
35. ‘Ebādollāhzādeh Malekī, J. (1389/2010), *Āstārā darvāzeh-ye tamaddon: joghrāfiyā-ye tārikhī-ye Āstārā*, Astara : Nashr-e Maktūb-e Āstārā.
36. Abdolī, Alī (1386). *Tārikh-e tālesh*, Tehrān : Nashr-e Jāme‘ehnegar.

37. ‘Abdī Beyg Navīdī Shīrāzī, Z. (1390/2011), *Şariḥ ol Molk; Waqfnāmeḥ-ye boq‘e-ye sheykh-e Şafī od Dīn Ardebīlī*, Tehran : Enteshārāt-e mo‘āvenat-e farhangī-ye Sāzmān-e owqāf va omūr-e kheyrīyyeh.

38. ‘Ownollāhī, S. (1373/1994), *Qal‘eh Shendān*, Translated by ‘Alī ‘Abdolī, Nashrīyyeh-ye farhangī, honarī, pazhoheshī-ye Gīle Vā, Third year, Appendices 24 and 25 (Tālesh 2), September and October 73, pp. 4–16.

39. Qāsemī Andarūd, P. (1388/2009), “Sekkehā-ye atābakān-e Āzarbāyjān makshūfeh dar ostān-e Zanjān”, *Nashrīyyeh-ye Payām-e bāstānshenās (‘elmī-ye pazhūheshī)*, Sixth Year, No. eleven, Spring and summer 88, pp. 111–121.

40. Qazvīnī, V. (1379/2000), *Kholdebarīn: tāriḫ-e Tīmūrīyān va Torkamānān*, Be kūshesh-e Mīrhāshem Mohaddeś, Tehran : Nashr-e Mīrās-e maktūb.

41. Kasravī, S. A. (1370/1991), *Kārvand-e Kasravī*, Beh kūshesh-e Yahyā Žokā’, Tehran : Nashr-e Sherkat-e sahāmī.

42. Mar‘ashī, Z. (1347/1968), *Tāriḫ-e Gīlān va Deylamestān*, Taşhīḥ-e Manūchehr Sotūdeh, Tehran : Enteshārāt-e anjoman-e āsār-e mellī.

43. Musáoghlu, Z. (1383/2004), *Dowlat-e Atābakān-e Āzarbāyjān*, Translated by ‘Alī Dāshqīn (Ḥoseynzādeh), Tabriz : Nashr-e Akhtar.

44. Nāvī Tāleshī, M. Kh. Ş. (1378/1999), *Maqālāt-e Seyyednīkī*, Beh kūshesh-e Shahrām Āzmūdeh, Rasht : Nashr-e Jāvīd.

45. Naba’ī, A. (1375/1996), *Owzā‘e sīyāsī va ejtemā‘ī-ye Īrān dar qarn-e hashtom-e hejrī: az soqūt-e Īlkhānān tā tashkīl-e Tīmūrīyān*, Mashhad : Enteshārāt-e dāneshgāh-e Ferdowsī.

46. Ne‘matollāhī, Behrooz, (1380/2001), *Tāriḫ-e jāme‘-e Āstāra va hokāmm-e Namīn*, Ardabīl, Nashr-e Sheykh-e Şafī od Dīn.

**LOOKING AT THE MINTED COINS OF ASTARA FROM
AZERBAIJAN'S ATABAKAN TO TIMURIDS PERIOD
(including 6th, 7th, 8th and 9th century AH)**

Armin HEIDARIAN

*Graduate of Master of Iranian Studies, University of Guilan (Iran) and
founder of the first Iranian Scientific Association of Iranian Studies (Iran),
e-mail: Armin.heydarian301@gmail.com*

Astara is the name of two border districts, one in Northwest of Gilan province and the other is located in Southeast of Republic of Azerbaijan which is surrounded by Caspian Sea from East, Talesh Mountains from South and Southwest. In the past, the city has played an important role in the centrality of Talesh historical region, especially during pre Safavid, Safavid and post safavid era. Reliable historical sources proved that, Astara from the middle of Islamic century up to the early Qajar dynasty has included many regions of the Republic of Azerbaijan and some parts of the East of Ardabil province and West of Gilan province. However, before writing this research, there were no available books, papers, articles, reports or documents that have specialized form on the subject of minted coins of Astara and in the present article, the Astara region as the center of the Astara province in the middle of Islamic period has coin mint but also in various historical periods in this city, the coin of regional rulers and conquering Sultans have also been minted. In this research, respectively, the coins of Azerbaijan's Atabakan, the Mongol Ilkhanids period, the Mozaffarians, the Jalayrians and finally the Qaraqoyunlus, were examined.

The attempt of the present research, based on its subject, has been to investigate and shed light on the historical impossibility of Astara as the register of a large part of the Talesh ethnic region in the middle Islamic periods, from the point of view of numismatics.

Keywords: Astara, Archaeological, History, Talesh, Coins, Mint, Gilan.